نقد موشکافانه داستان حضرت قاسم(ع) در حوزه هنری

خطری که تا پنج سال دیگر ادبیات آیینی را تهدید می‌کند!

نشست نقد و بررسی کتاب «نشان حُسن» با حضور لیلا مهدوی، نویسنده؛ حاتم ابتسام، منتقد؛ فاطمه سلیمانی ازندریانی، مجری-کارشناس و تعدادی از علاقه‌مندان ادبیات به همت کانون بانوی فرهنگ در حوزه هنری برگزار شد. حاتم ابتسام، منتقد ادبی و ویراستار داستانی در این نشست سخنانی گفت به تفصیل، چنین بود:



کرونا به ما فهماند این جلسات و گعده‌های ادبی موتورهای خوبی برای ادبیات محسوب می‌شوند. اتفاقا محافل خیلی مهم است و ذات «ادبیات محفلی» مهم است.

ادبیات متر است یعنی وقتی رمانی را می‌خوانیم داریم یک متر را در برابر سوژه قرار می‌دهیم. در کتاب‌های تاریخی و در حقیقت «تاریخ شیعی»، اتفاقی که می‌افتد این است که این متر را گم می‌کنیم. مثلا متری که با کتاب‌های «دا»، «سلام بر ابراهیم» و... به خواننده داده می‌شود، در برخی از این کتاب‌ها موجود نیست.

این ادبیات را که از آثار استاد شجاعی نشأت می‌گیرد را به ادبیات محترم تعبیر می‌کنم که دو ویژگی دارد. ویژگی مثبت این که همخوانی با سوژه دارد چون درباره اهل بیت(ع) است؛ ولی با زبان داستان تناسب ندارد چون در داستان باید با صراحت حرف زد. مثلا در مقاتل شیعی هم حادثه کربلا و عاشورا را خیلی صریح توصیف می‌کند و این «نثر محترم» در داستان‌پردازی دست نویسنده را می‌بندد.

علت این‌که زمان تاریخ شیعی دارد بیشتر می‌شود به این دلیل که انسان امروز در مواجهه با انبوهی از سؤالات است و حالا می‌فهمد که دانش و اعتقادش در برخی موارد چقدر اندک است.

مخاطب امروز، بیش از پیش به کتاب‌های متری نیاز دارد اما ناشران به این نیاز توجه نداشته و ندارند. اتفاقی که افتاده این‌که تجربه خوبی برای مخاطب افتاده ولی ترازو در آثار تولید شده، به سمت کارهای کم‌ارزش می‌رود و پنج سال دیگر کتاب‌های تاریخ شیعی از نظر مخاطب نابود می‌شود.

خواسته نویسنده در نشان حُسن مشخص است که می‌خواسته رمان بنویسد اما عناصر داستان و رمان را ندارد. نویسنده می‌داند که مخاطب پایان را می‌داند و قمار می‌کند و در مورد چگونگی این پایان صحبت می‌کند. نویسنده تلاش کرده تا حد زیادی این چگونگی را نشان بدهد ولی اتفاقی که افتاده عناصر داستان در آن دیده نمی‌شود چون تعلیق ندارد. داستان بدون تعلیق، فقط برای رسیدن به چرایی خوانده می‌شود.

نویسنده از سویی مخلص درگاه اهل بیت است و این کتاب را با واژه‌های محترمانه نوشته برای همین یک فرمی وجود دارد که خواننده را جذب می‌کند.

یک دلیل مهم استقبال از رمان تاریخی این‌که از روش‌های چهارگانه تاریخ‌نگاری داستان‌نویسی است. در حقیقت این روش تاریخ‌نگاری روش اثبات‌گراست که با زمان‌نویس فرقی ندارد.

چند رمان‌نویس داریم که تاریخ‌نویس شدند و برعکس؛ پس این اتفاق رخ می‌دهد و نویسنده در این دام می‌افتد و البته چیز بدی نیست.

محبت نویسنده به اهل بیت(ع) پررنگ است و من این را تهدید می‌بینم چون نگرانی دارند که مورد قضاوت قرار بگیرند. در جای که نشان می‌دهد زبان داستان دارد، هم تردید می‌بینیم و هم اضافه‌گویی. این تردیدها آزاردهنده است. به نظرم حجم کتاب می‌توانست یک چهارم کمتر باشد.

پیدا کردن زاویه دید بحث مهمی است. صلاحیت روایت و زاویه دید مهم است و نویسنده‌های تازه‌کار، اول شخص را انتخاب می‌کنند که محدودیت‌هایی دارد گرچه امکاناتی هم می‌دهد اما من فکر می‌کنم اگر این صلاحیت را به سوم شخص می‌دادید، اثر بهتری نوشته می‌شد.

تعریفی درباره تاریخ وجود دارد که برای عبرت است و یک تعریف از تاریخ وجود دارد که در چه وضعیتی هستیم و چگونه به الان رسیده‌ایم و چگونه اینجاییم؟ نگاهی که می‌ماند این است که نویسنده کار مورخ را می‌کنند و باید داستانش را به جایی برساند که الهام‌بخش و التیام‌بخش باشد. این اتفاق در شبه‌رمان نشان حُسن می‌افتد چون دست روی بعد دراماتیک تربیت در آن برهه از تاریخ اسلام گذاشته است. من این کتاب را می‌توانم به برخی‌ها از این نظر پیشنهاد کنم. نثر و دید نویسنده آیینگی کرده و به‌خوبی فضا را منتقل کرده‌است.

وقتی فردی می‌فهمد یک موضوع را نمی‌داند به دانسته‌های قبلی خودش هم بی‌اعتماد می‌شود. وقتی فقط دو صفحه درباره حضرت قاسم وجود دارد و شما این‌گونه باز کرده‌اید مخاطب متوجه می‌شود با موضوع مهمی روبه‌روست و می‌فهمد که سؤالات بیشتری دارد اما متاسفانه این سؤالات از طرف نویسندگان به‌خوبی پاسخ داده نمی‌شود و همین علت است که موجب اضمحلال این کتاب‌ها در پنج سال دیگر می‌شود.

یکی از کارهای ما به عنوان ویراستار داستانی این است که با موجین جملات زیادی را حذف می‌کنیم. مثلا چرا این جمله را در این داستان می‌خوانیم که: «معاویه با پدر عناد داشت.» یا جای دیگری می‌خوانیم: «آب گلویم را تازه می‌کند.» البته ما در مورد ۳۰ هزار جمله صحبت می‌کنیم و این، قابل اغماض است.

نکته مهم این است که در بحث تاریخی، تاریخ اجتماعی داریم و از ۱۵۰ سال قبل اسامی، روایت‌ها و عکس‌ها هست اما ما در مورد برهه‌ای می‌نویسیم که اصلا هیچ ردی از آن وجود ندارد و واقعیت این است که فهم دورنمای تاریخی به این کار کمک می‌کند.

اتفاق خوب وقتی می‌افتد که تصویر درستی از شهر داشته باشیم. فهم دورنمای شهر مهم است و کسی که می‌خواهد رمان تاریخی بنویسید، خواندن منبع دست اول بالادستی خیلی دورنما می‌دهد و کمک‌کننده است.

چه خوب است این جلسات، موتور محرکی باشد تا همه ما درباره چیزهایی که می‌نویسیم بیشتر بخوانیم. ما در وضعیت دست‌پایین گرفتن مخاطب هستیم که به مرور باعث هرزنویسی خودمان می‌شود و خوب است نویسنده چند سؤال را برای خودش داشته باشد. هنر داستان‌نویسی وقتی است که یک پرسش را مطرح کنیم و خودمان به آن پاسخ بدهیم. پاسخ دادن به این پرسش‌ها کمک می‌کند تا نویسنده به فرم بهتری برسد.

نویسندگی هم مثل رانندگی ۱۰ تکنیک فرمی دارد و بقیه‌اش سواد و تسلط نویسنده است و آن چیزی که مهم است این‌که بتوان از این ابزار استفاده بهتری شود.

نقد نوجوانانه

می‌خواستم سرم را به دیوار بکوبم



ارمیا مرادیان

۱۰ ساله

کتاب «در رویای بابل»، کتاب جذاب و هیجان‌انگیزی است. این کتاب، خیلی خوب داستان بنیامین را تعریف می‌کند. نکته جالب، انتخاب اسم‌هاست که توجه من را به خودش جلب کرد؛ اسم‌هایی مانند «شنبلاله» و «گابریگابا». اگر کسی این کتاب زیبا را نخوانده باشد، فکر می‌کند من این اسم‌ها را از خودم درآورده‌ام، ولی واقعا این اسم‌ها در کتاب هستند. داستان کتاب در رویای بابل، داستان پسربچه‌ای به نام بنیامین است که به‌خاطر موی سفیدش خیلی خجالتی است و هیچ دوستی هم ندارد.

جالب اینجاست که این بچه خجالتی، استاد ساخت قورباغه‌کاغذی است. بگذارید نگاهی به پشت جلد بیندازیم و جمله زیبایی از نوشته پشتش را بخوانیم: «آدمی که خیال نمی‌کند، زندگی نمی‌کند». این کتاب با این‌که برای نوجوانان چاپ شده ولی این نکته آموزنده را درون خودش پنهان کرده است. اگر چشمان تیزبین شما عزیزان دیده باشد زیر عنوان کتاب نوشته: «به متاورس خوش آمدید». این یعنی چه؟ آیا این کتاب به متاورس یا دنیای مجازی ربطی دارد؟ جواب این است: نه، منظور کتاب از متاورس، خیالات بنیامین است که حتی باعث اتفاقات عجیب و گاهی ترسناک می‌شوند، البته نه آن‌قدر ترسناک که از خواندن کتاب بترسید، فقط یک کم هیجان این کتاب زیاد است. من به شخصه اطمینان دارم اگر این هیجان قدری کم شود، کتاب، کم‌نظیر و زیبا می‌شود. اگر از من بپرسند از یک تا ۱۰، به این کتاب چند می‌دهید می‌گویم: به نظر من کتابی رتبه ۱۰ را می‌گیرد که هم هیجانش به اندازه باشد و هم دلشوره کمتری برای مخاطب ایجاد کند. من خودم در قسمتی از کتاب می‌خواستم کتاب را ببندم و سرم را به دیوار بکوبم. البته این کتاب شاید کمی زیادی هیجانی باشد اما جنبه‌های مثبت زیادی دارد؛ مثل این‌که به مخاطب یاد می‌دهد «نباید زیادی خجالتی باشی». نباید فراموش کنیم یکی از چیزهای دیگری که این کتاب به مخاطب یاد می‌دهد این است که «باید شجاع باشی». طراحی جلد جالب و جذاب این کتاب، شما را حیرت‌زده می‌کند. یک پسر با موهای سفید که پاهای خود را روی یک قورباغه کاغذی بزرگ گذاشته و کل اتاق پر از قورباغه کاغذی است. این پسر کیست؟ معلوم است. ایشان همان آقابنیامین خجالتی شخصیت اصلی داستان است. این کتاب از نشر صاد منتشر شده است.

این کتاب یک سره است و هیچ فصلی ندارد. به شما پیشنهاد می‌کنم این کتاب را بخرید و مطالعه کنید. من بقیه پشت جلد را هم می‌خوانم: «شلوارهای بابا را مامان می‌خرد و همیشه شلوارهای بابا برای او بلند هستند. به گمانم بابا در خیال مامان، قد بلندتری دارد.»

کارت خودرو سواری **جیلی امگرانـد 7** مدل ۲۰۱۳ شماره موتور **JLY4G18D5NB07762** شماره شاسی **L6T7844S6DN033752** به‌نام **آتنا محمددوست لشکامی** مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

دفترچه قرارداد صادره شرکت آتی‌ساز به شماره واحد ۱۶۰۸۴ فاز ۲ اوین واقع در آتی ساز، فاز ۲، بلوک ۱۶، طبقه ۸، واحد ۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.
وکیل: سیدقاسم لواسانی
۰۹۱۲۳۴۰۳۴۰۱

برگ سبز،سند مالکیت،کارت و کارت سوخت خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۸۲ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳ ۳۲۷ل۷۲ شماره موتور **11538208603** شماره شاسی **82909042** به مالکیت **راحله بهارستانی یزدی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجانب **مریم کریمی** فرزند **حسین** به شماره شناسنامه **۶۵۱۰** صادره از **ری** در مقطع **کارشناسی** رشته **جغرافیای طبیعی-ژئومورفولوژی** صادره از واحد دانشگاهی یادگار امام خمینی (ره) شماره **۱۴۸۸۱۳۹۰۲۷۷۸** مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به صندوق پستی **۱۸۱۵۵/۱۴۴** دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره) ارسال نمائید.